

A unonced ier

Après avoir lu et examiné le mémoire de Mahnaz Yazdani Farsad, nous, soussignés, les membres de Jury, sommes d'avis favorable pour sa soutenance.

**Membres de Jury :**

Directeur de recherche : Madame le docteur **Roya Letafati**

Professeur consultant : Monsieur le docteur **Rouhollah Rahmatian**

Professeur invité : Monsieur le docteur **Ali Abbassi**

Professeur invité : Madame le docteur **Parivash Safa**

Directeur du département : Monsieur le docteur **Rouhollah Rahmatian**

Date de soutenance : 16 Janvier 2012

The image shows handwritten signatures and initials for the jury members. At the top right, there is a signature for Roya Letafati. Below it, there are two circular stamps, each containing the initials 'R.R.' and a horizontal line underneath. To the left of the first stamp is a signature for Rouhollah Rahmatian. To the left of the second stamp is a signature for Ali Abbassi. To the left of the third stamp is a signature for Parivash Safa. To the left of the fourth stamp is a signature for Rouhollah Rahmatian.

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت های علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموزان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد/ رساله دکتری نگارنده در رشته سرمیخه زبان فرانسه است که در سال ۱۳۸۸ در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر دلرزیا لطیفی، مشاور سرکار خانم/جناب آقای دکتر روح اله رضیاری و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر ... از آن دفاع شده است.»

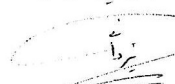
ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ پهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت پهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب مهناز سردارانی فرزند سردار دانشجوی رشته سرمیخه زبان فرانسه مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: مهناز سردارانی فرزند

تاریخ و امضا:   
۱۳۹۰/۰۱/۲۰

### آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجو مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب، نرم افزار و یا آثار ویژه (اثری هنری مانند فیلم، عکس، نقاشی و نمایشنامه) حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین‌نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸/۴/۸۷ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۲۳/۴/۸۷ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۱۵/۷/۸۷ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.

«اینجانب، ... دانشجوی رشته ... متعهد می شوم کلیه نکات مندرج در آئین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی دانشگاه تربیت مدرس را در انتشار یافته های علمی مستخرج از پایان‌نامه / رساله تحصیلی خود رعایت نمایم. در صورت تخلف از مفاد آئین‌نامه فوق‌الاشعار به دانشگاه وکالت و نمایندگی می‌دهم که از طرف اینجانب نسبت به لغو امتیاز اختراع بنام بنده و یا هر گونه امتیاز دیگر و تغییر آن به نام دانشگاه اقدام نماید. ضمناً نسبت به جبران فوری ضرر و زیان حاصله بر اساس برآورد دانشگاه اقدام خواهم نمود و بدینوسیله حق هر گونه اعتراض را از خود سلب نمودم»

امضاء  
تاریخ: ۱۳۸۴/۱۲/۱۴



**Université Tarbiat Modares (UTM)**

**Faculté des sciences humaines**

**Département de français**

**Mémoire de**

**Master II en traductologie**

**L'étude des problèmes de l'adaptation culturelle dans la  
traduction des textes littéraires**

**Rédigé par :**

**Mahnaz Yazdani Farsad**

**Sous la direction de :**

**Mme le Dr. Roya Letafati**

**Professeur Consultant :**

**M. le Dr. Rouhollah Rahmatian**

**Janvier – 2012**

## Remerciements

*Je voudrais tout d'abord remercier sincèrement mon cher professeur Madame le Docteur Roya Letafati, qui a accepté de diriger ce travail avec autant de compétence que de patience. Ses précieux conseils ainsi que ses encouragements m'ont permis de continuer mon chemin et de terminer mon mémoire. Qu'elle veuille bien recevoir toute ma respectueuse reconnaissance.*

*J'exprime également mes remerciements à Monsieur le Docteur Roudlah Rahmatian qui a eu la bienveillance d'être mon professeur consultant et qui a bien voulu me consacrer le temps.*

*J'exprime sincèrement ma gratitude à Monsieur le Docteur Ali Abbasi pour accepter juger mon mémoire.*

*Qu'il me soit permis de remercier infiniment tous mes professeurs qui m'ont aidé au cours de mes études.*

## **Abstract:**

In this memory, we try to make a research on the cultural aspects which are inseparable of the translation of the literary texts. We verify closely that the more the cultures are taken away, the more translator's role becomes important and afterward, the task to translate will end with more difficulties. This work in three chapters, is carried out in a following way: first of all, after a short explanation on the unit of translation, we study the nature of the literary translation and that of the errors made by the translators, then, we express the notion of fidelity during the history of translation, by leaning on the advantage of the creativity on the final result: the more the translator is creative, the more it will be capable of resolving the problems cultural of text.

Then, we enumerate the cultural obstacles which appear during the act translating on its road under diverse faces; and at the end, we study the beneficial effects of bilingualism of the translator and we observe the diverse processes which the big Iranian translators adopted to surmount in these difficulties. To obtain better results, and to clarify our remarks, we present examples pulled by varied texts, by French with Persian and aim paid. Finally, to conclude, we notice that there is no method to translate, nor a theory which can include all the aspects. Every translator has his own way. Certainly, the role of the experience is undeniable, but what account it is the success acquired by the result.

**Keywords:** the literary translation, the cultural obstacles, the fidelity, the creativity, the bilingualism.

## **Résumé**

Dans ce mémoire, on tente de faire une recherche sur les aspects culturels qui sont inséparables de la traduction des textes littéraires. On vérifie de près que plus les cultures sont éloignées, plus le rôle de traducteur devient important et par la suite, la tâche de traduire s'achèvera avec plus de difficultés.

Ce travail en trois chapitres, s'effectue de façon suivante : en premier lieu, après une courte explication sur l'unité de traduction, on étudie la nature de la traduction littéraire et celle des erreurs faites par les traducteurs, puis, on exprime la notion de fidélité au cours de l'histoire de traduction, en s'appuyant sur l'avantage de la créativité sur le résultat final : plus le traducteur est créatif, plus il sera capable de résoudre les problèmes culturelles de texte.

Ensuite, on énumère les entraves culturelles qui se présentent lors de l'acte traduisant sur sa route sous diverses faces ; et à la fin, on étudie les effets bénéfiques de bilinguisme du traducteur et on observe les divers procédés que les grands traducteurs iraniens adoptaient pour surmonter à ces difficultés. Pour obtenir de meilleurs résultats, et clarifier nos propos, on présente des exemples tirés de textes variés, de français à persan et vice versa.

Enfin, pour conclure, on constate qu'il n'y a pas de méthode pour traduire, ni une théorie qui puisse englober tous les aspects. Chaque traducteur a sa propre façon. Certes, le rôle de l'expérience est indéniable, mais ce qui compte c'est le succès acquis par le résultat.

**Mots-clés :** la traduction littéraire, les entraves culturelles, la fidélité, la créativité, le bilinguisme.



« Traduire c'est risquer, et risquer c'est vivre, c'est le sens même de la vie ».

Abbès Bahous

## **Introduction**

Depuis les années 1950, la traduction a fait l'objet d'une réflexion ordonnée et s'est érigée en discipline indépendante de la linguistique. Jusqu'à présent, beaucoup de théories et d'approches se montrent dans le domaine de la traduction, ayant étudié la possibilité de sa réalisation, et le procédé dont le traducteur doit choisir. D'un côté c'est Georges Mounin, qui pose la question radicale à savoir : "si la traduction est possible ?", et il recommande : « Pour traduire une langue étrangère, il faut remplir deux conditions, dont chacune est nécessaire, et dont aucune en soi n'est suffisante : étudier la langue étrangère ; étudier (systématiquement) l'ethnographie de la communauté dont cette langue est l'expression » (Mounin, 1963 : 236). Il précise encore: « Nulle traduction n'est pas totalement adéquate si cette double condition n'est pas satisfaite » (*Ibid.*).

De l'autre côté, on doit considérer un élément inséparable de l'acte traduisant, la "diversité", sans laquelle la traduction ne peut pas se réaliser. Mais cette diversité peut exister à tous les niveaux, entre les langues et même à l'intérieur d'une langue, on ne peut pas trouver des synonymes exacts dans une langue donnée, de même, il n'y a pas non plus de signes exactement équivalents entre deux langues. Or, quand on considère la

diversité des cultures et des langues, cela peut susciter un obstacle insurmontable à la traduction.

D'ailleurs, à la diversité des langues et des cultures, il faut ajouter la diversité des textes aussi, et la tâche du traducteur doit maintenir cette diversité. C'est dans les textes littéraires qu'elle est le plus observable. Toutes les grandes périodes de traduction sont des exemples de transmission de genres d'une culture à l'autre. On traduit donc aussi un genre dans une culture qui, soit ne le pratique pas, soit la pratique différemment. En somme, ces différences sont des exemples de ce qu'Antoine Berman (1984) appelle « l'épreuve de l'étranger ». Tout dépend du degré d'étrangeté du texte à traduire par rapport à la culture d'accueil. Il faut s'efforcer de conserver les traits de l'œuvre originale pour faire de la lecture de la traduction une véritable expérience de la diversité culturelle.

Donc, la traduction est une voie où fait entrer la culture étrangère dans la société, de même que la société entre dans la culture étrangère. Plus les difficultés d'une langue sont nombreuses, plus on a besoin de traduire. La traduction est l'épreuve de la légitimité : la langue doit prouver sa légitimité dans la traduction.

La traduction littéraire, notamment, est une partie de processus culturel ; elle révèle l'ambiance culturelle de la société dont elle est messagère, pour sa destination qui est la société cible. Dans cette mesure, la traduction littéraire, est exactement en ligne avec ce que Freud a fait face à la médecine académique, c'est-à-dire le dialogue entre le médecin et le patient. Cette méthode est basée sur la participation. Elle vainc les domaines qu'ils ne sont pas encore ouverts aux peuples. Elle a le rôle d'une

voie où les faits culturels d'une société peuvent entrer par son intermédiaire dans la société de l'autre bord.

La problématique de cette recherche est la suivante : “Vue les différences culturelles, linguistiques, historiques et la distance géographique entre l'Iran et la France, comment la traduction des textes littéraires peut établir un pont entre ces deux pays ?”

### **Questions de recherche :**

1. Comment on peut classer les entraves culturelles de la traduction littéraire ?
2. Au cas où le traducteur ne peut pas trouver les équivalences culturelles convenables, est-ce qu'il a droit de les éliminer ?
3. Quels étaient les procédés suivis par les traducteurs iraniens de ces dernières décennies face aux entraves culturelles ?

### **Hypothèses de recherche :**

Pour répondre à ces questions, les hypothèses suivantes ont été formulées :

1. On peut évoquer parmi d'autres, les expressions et les locutions, les proverbes, les connotations, les métaphores, les tournures de style et l'ironie.
2. Comme une règle générale de la traduction, le traducteur ne peut rien supprimer du texte original, sous prétexte de ne pas trouver l'équivalence convenable ; quand même, très rarement, il y a des cas où le traducteur est obligé d'éliminer une notion ou une courte phrase pour préserver l'homogénéité de sens dans le reste du texte traduit.

3. Les traducteurs iraniens adoptaient divers procédés, parmi lesquels on peut citer : emploi de note, recours à la néologie, et dans certains cas, la suppression.

**Méthodologie de recherche :**

Nous utiliserons comme cadre d'analyse une méthode descriptive-analytique.

**Objectif de recherche :**

Etant existé une grande différence entre les deux cultures persane et française, l'objectif de notre recherche est de vérifier les entraves culturelles qui se trouvent en face du traducteur, et d'énumérer les procédés suivis par lui, pour surmonter à ces difficultés.

**Présentation des chapitres :**

Notre travail de recherche est composé de trois chapitres. Dans le premier chapitre on parle des divers points de vue sur l'unité de traduction, de même que sur la nature et les causes de l'erreur. Puis on va expliquer des spécificités de la traduction littéraire, et la créativité comme l'une de ses qualités adoptée, oui ou non, par les traducteurs. Enfin on va faire une révision sur la notion de fidélité comme une règle inévitable de la traduction au cours de son histoire.

Dans le deuxième chapitre, on va énumérer les divers éléments culturelles dont chaque traducteur peut faire face dans la traduction des textes littéraires, notamment dans le roman et la poésie, et de montrer à l'aide des exemples, les procédés adoptés par les traducteurs et les façons, réussies ou non, qu'ils ont exercé devant la traduction de ces facteurs.

Le troisième chapitre, est destiné à présenter les points de vue des théoriciens et des traducteurs iraniens, envers la traduction des éléments culturels sous formes de citations, et des exemples tirés de divers textes. Mais avant même de commencer cela, on se contente d'étudier un autre facteur qui peut influencer l'acte traduisant ; c'est-à-dire le bilinguisme. Depuis des décennies plusieurs chercheurs ont centrés leurs recherches autour de la thématique du bilinguisme et de l'éducation bilingue.

Nous espérons humblement que ce travail de recherche pourra aider un peu à clarifier le parcours de la traduction des textes littéraires et présenter quelques moyens utiles à surmonter à ses problèmes inévitables.



**Premier Chapitre**  
**Traduction et ses côtés divers**





## **1. 1. L'unité de traduction**

C'est une notion qui a son origine dans les théories de traduction ; chaque théorie a sa propre conception de cette notion, mais malgré les diverses tentations qui ont été faites, il n'y a pas une conception commune entre les théoriciens. Ce qui est sûr c'est que le segment de texte que tout traducteur choisit instinctivement comme étant de la bonne longueur, utilisé comme UT, varie selon le degré de compétence linguistique et culturelle de lui. On peut inclure parfois un simple mot isolé et parfois jusqu'à des phrases complexes. La lisibilité d'un texte traduit dépend de la longueur de UT, plus c'est court, moins le texte qui en résulte est lisible.

Certains considèrent "le mot" comme l'UT, dont parmi ces partisans on peut nommer Mounin : « être à la recherche des unités sémantiques minima » (G. Mounin, 1963: 95), ou bien trouver dans la langue source le mot qui produit le maximum des sèmes contenus dans le mot de la langue cible.

D'autres cherchent à le considérer comme "la phrase et le syntagme", on peut présenter Catford, comme l'un des partisans de cette point de vue, dont pour lui : il ne s'agit plus de chercher « le mot juste dans la langue cible, mais de trouver les translations équivalents utilisé dans des situations identiques » (Catford, 1965 : 49), c'est-à-dire de ne pas considérer seulement la valeur sémantique de l'énoncé mais aussi estimer la situation dans laquelle elle a été produite. Donc on entre dans le domaine de la linguistique pragmatique et sa conception sur la valeur de l'énoncé qui

varie selon les contextes situationnels. Alors, c'est cette valeur que le traducteur doit saisir et réexprimer en langue cible.

Il y a une ressemblance entre cette définition et celle de Vinay et Darbelnet :

“Nous considérons comme équivalents les termes : unité de pensée, unité lexicologique et unité de traduction. Pour nous ces termes expriment la même réalité considérée d'un point de vue différent. Nos unités de traduction sont des unités lexicologiques dans lesquelles les éléments du lexique concourent à l'expression d'un seul élément de pensée. On pourrait encore dire que l'unité de traduction est le plus petit segment de l'énoncé dont la cohésion des signes est telle qu'ils ne doivent pas être traduits séparément (Vinay et Darbelnet, 1966 : 37).”

Leur définition tend d'abord, à donner une image de l'unité de traduction, qui tout en étant fondée sur le sens est axée sur le lexique, sur des expressions et en particulier des expressions idiomatiques, à privilégier l'idée que l'unité de traduction repose sur la différence de concentration de deux segments ou sur la cohésion et l'affinité de deux éléments d'une expression. Leur théorisation est étroitement liée à la notion de procédés : emprunt, calque, traduction littérale, transposition, modulation, équivalence, adaptation. En plus, elle est axée sur le texte de départ, elle entretient l'illusion que l'on peut découper a priori des unités de traduction dans le texte de départ ; à un point tel qu'ils ne traduisent même pas certains de leurs exemples.

Michel Ballard, pour sa part, considère que l'unité de traduction est un élément constituant d'un tout, qui a sa source dans le texte de départ, son aboutissement dans le texte d'arrivée, et qui passe pour sa réalisation par le cerveau du traducteur. On peut dire que, l'objet étant le texte, il y a constitution d'une unité de travail en traduction lorsque le traducteur, après

interprétation des formes, met en rapport une unité constituante du texte de départ avec le système de la langue d'arrivée en vue de produire une équivalence acceptable, susceptible de contribuer à la réécriture d'un texte dont l'équivalence globale par rapport au texte de départ doit s'accommoder d'ajustements internes dictés par sa cohérence et sa lisibilité. Cela signifie que sur le plan formel, il existe plusieurs types d'UT selon que leur base apparente est dans le texte de départ (et c'est le plus souvent le cas) ou plutôt générée par la constitution du texte d'arrivée et les exigences extralinguistiques de la culture d'accueil.

L'unité de traduction n'est donc pas une unité du texte de départ, qui est une unité à traduire, pas plus qu'une unité du texte d'arrivée, qui est une unité traduite. En résumé, il conçoit donc l'UT comme :

“[...] comme un balayage articulé qui part de la construction du sens (opération fondamentale ou de base) pour produire des équivalences (seconde phase de l'opération) visant à la réécriture d'un texte, dont la cohérence et l'acceptabilité vont générer un troisième type d'interventions de la part du traducteur, interventions qui souvent visent à restituer le liant du texte et ses qualités pragmatiques (Ballard, 2004 : 57).”

## **1. 2. Traduction littéraire**

### **1. 2. 1. La littérature**

La littérature est selon J. P. Sartre “Un ensemble des écrits généraux, fictifs et scientifiques sur une discipline”. Elle n'est pas la simple déférence aux prescriptions communes des pratiquants d'une langue, elle est composée de ce qui la distingue des autres formes d'écriture, sa “littérarité”. Cela implique que tout texte littéraire, notamment la traduction d'un texte littéraire, comporte certainement l'empreinte personnelle de son créateur.

En reconnaissant la créativité du traducteur, nous reconnaissons bien l'existence du style du traducteur

L'œuvre littéraire est donc tout ce qui concerne la création ou l'étude en matière de littérature, ou bien les œuvres qui concernent les lettres par opposition aux sciences. Elles prennent une forme ou une autre suivant les objectifs du créateur ou de l'écrivain. On peut citer l'un genre le plus connu qui s'appelle: roman dont selon Giroudet (1976 : 1834) se définit comme : « Une œuvre en prose dans laquelle l'auteur cherche à exciter l'intérêt par le récit d'aventurés ou d'exploit, la peinture des mœurs, de passion plus ou moins extraordinaire ».

La littérature est aussi un art de communication et elle implique deux agents distincts : l'écrivain et le lecteur. Donc, elle est née directement de la culture, elle est une manifestation de la culture.

### **1. 2. 2. Le traducteur littéraire et son rôle**

Le traducteur littéraire a pour mission la traduction des œuvres d'auteurs étrangers dans sa langue natale: romans, nouvelles, pièces de théâtre, essais, et etc. Ce n'est pas tant sa compréhension d'une langue étrangère que l'on recherche, même s'il se doit de la maîtriser parfaitement, mais sa capacité à transmettre le texte et ses subtilités en langue souhaitée. En tant qu'un agent d'échange interculturel et de compréhension, le traducteur doit démontrer dans son œuvre une compétence naturelle ou acquise, il doit être doué de la connaissance de la documentation sociale, culturelle, et littéraire du texte de départ dont il s'agit. A cause de cette exigence linguistique et extralinguistique de la traduction, le traducteur, surtout, littéraire doit se renseigner sur les deux sociétés dont il s'agit. D'abord, il doit considérer le fait qu'il a affaire avec deux cultures en contact. Ensuite, il doit avoir recours à la restructure des systèmes culturels des signes linguistiques et